

پیامدهای نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بر محور نفوذ و محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران

دانش آموخته دکتری تخصصی علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران	جمشیدی، محسن*
استاد یار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران	سارا فلاحی
استاد یار و عضو هیات علمی گروه مدیریت، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران	محمد ایدی

چکیده

رژیم صهیونیستی با طرح عادی سازی روابط با کشورهای عرب منطقه در قالب پیمان صلح ابراهیم، در صدد فشار بر رقیب و دشمن خود در منطقه خاورمیانه، یعنی ایران است (مسئله)؛ این پژوهش به تحلیل و واکاوی تاثیرات نفوذ خاورمیانه‌ای اسرائیل و تأثیر آن بر محور نفوذ ایران به عنوان مهمترین رقیب استراتژیک این کشور می‌پردازد (هدف)؛ پژوهش حاضر از نوع بنیادی - کاربردی، با روش کیفی - تفسیری و رویکرد توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای تدوین شده است. همچنین برای چهارچوب نظری این پژوهش از نظریه موازنه تهدید استفان والت استفاده شده است (روش)؛ همسویی راهبردی - امنیتی اسرائیل با آمریکا و ائتلاف غربی - عربی و تعارضات هویتی - ایدئولوژیکی ایران با موجودیت اسرائیل، هر گونه افزایش حضوران در محیط امنیتی - پیرامونی ایران به انحاء مختلف همچون سیاسی، نظامی، امنیتی اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و فنی و تکنولوژیکی به معنای کاهش میزانی از نفوذ و قدرت تأثیرگذاری ایران تلقی شده و طبعاً تهدیدی برای امنیت ملی - منطقه‌ای ایران در منطقه نفوذ به حساب می‌آید (یافته‌ها).

کلیدواژه‌ها: امنیت مدیریت راهبردی، محیط پیرامونی، منطقه نفوذ، موازنه تهدید، پیمان صلح

ابراهیم

دریافت: ۱۴۰۲-۰۲-۲۵

* نویسنده مسئول mohsenmd16@yahoo.com

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۷-۰۸

صفحات مقاله: ۱۴۳-۱۲۱

منطقهٔ خاورمیانه از حدود یک قرن پیش و مخصوصاً پس از جنگ جهانی دوم، کانون عمده جنگ و بحران بوده و در قرن بیست و یکم نیز با جنگ و ترور مترادف شده است. این منطقه به عنوان حلقه اتصال سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا محسوب می‌شود و از جمله مناطق بسیار مهم و استراتژیک در چرخه قدرت جهانی است که دارای منابع عظیم متفاوتی نیز هست. عمده دولتهای این منطقه در سیاست خارجی نگاه رقابت آمیز و غیردوستانه‌ای نسبت به همسایگان خود در پیش گرفته‌اند که این امر منجر به ایجاد دور باطلی از رقابت‌های منطقه‌ای و تنش - دید دشمنی‌ها شده و متعاقب خود کاهش فضای همکاری جویانه در خاورمیانه را رقم زده است. این منطقه در سالهای اخیر به خصوص از سال ۲۰۱۱ به بعد تبدیل به منطقه‌ای شده است که متأثر از شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با وضعیت هرج و مرج گونه‌ای مواجه است که می‌توان آن را نمونه‌ای از وضعیت آنارشیک حاکم بر منطقه دانست. تلاش یک دولت برای افزایش قدرت ممکن است تبعاتی ناخواسته برای امنیت دیگر دولتها داشته باشد. علاوه بر شرایط آنارشیک، در خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و همچنین وجود ذخایر و منابع عمده معدنی و نفتی به مکانی برای منازعه و رقابت بین قدرتهای جهانی و منطقه‌ای تبدیل شده است که هر کدام از قدرتها چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌الملل تلاش می‌کنند محیط و قواعد بازی را به گونه‌ای سازماندهی کنند که منافع حداکثری خود را تأمین کنند. این مسائل سبب می‌شود که خاورمیانه همیشه با خلاء قدرت روبرو باشد. رژیم صهیونیستی در قالب پیمان صلح ابراهیم در صدد عادی سازی روابط خود با کشورهای منطقهٔ پیرامونی و محور نفوذ ایران می‌باشد. هدف از شکل‌گیری و طرح این پیمان توسط رژیم صهیونیستی به عنوان دشمن شماره یک ایران در محیط پیرامونی خود مسئله‌ای است که می‌خواهیم به بررسی و واکاویان بپردازیم. لذا با توجه به مسائل مطرح شده، سؤال این است که، سیاست راهبردی رژیم صهیونیستی بر گسترش روابط با اعراب منطقه و نفوذ در منطقهٔ خاورمیانه چه تأثیری بر محور نفوذ و امنیت ملی - منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارد؟ بنظر می‌رسد تلاش رژیم صهیونیستی برای عادی سازی روابط با اعراب و گسترش نفوذ خود در منطقه. خاورمیانه بر اساس موازنه تهدید، جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای و تقابل و کاهش توان و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در محیط ملی - منطقه‌ای می‌باشد. پژوهش فوق باعث شناخت جنبه‌ها و تأثیرات نفوذ خاورمیانه‌ای رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه و تأثیر آن بر محور نفوذ جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهمترین

رقیب استراتژیک این کشور می‌شود. در این پژوهش از روش کیفی - تفسیری، با رویکرد توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. همچنین روش گردآوری اطلاعات نیز استفاده از منابع موجود و در دسترس (کتب- مقالات موجود و منابع فارسی و لاتین در دسترس) به شیوهٔ کتابخانه‌ای و نت برداری بوده است.

۱ - پیشینه تحقیقاتی و مطالعاتی بحث: درارتباط با موضوع مورد نظرنگارنده یعنی،

پیامدهای نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بر محور نفوذ و محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به صورت مستقیم منبعی یافت نشد. در ادامه مطب چنداثر را که با عنوان موضوع سنخیت بیشتری دارند به صورت اختصار بررسی می‌نماییم.

محقق	عنوان و سال انجام تحقیق	شرح، یافته‌ها و نتایج تحقیق
محسن جمشیدی، شهرام فتاحی، میر ابراهیم صدیق	استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای محور تحت نفوذ در جهان اسلام از منظر رئالیسم تدافعی (واکاوی بحران عراق و سوریه) (۱۴۰۱)	رویکرد سیاست خارجی ایران نسبت به هر دو بحران فوق ذکر با تأکید بر بیداری اسلامی در این دو کشور، کاملاً واقع بینانه، عمل گرایانه، امنیتی و مبتنی بر منافع ملی بوده، تا هم بتواند از نفوذ بحران‌های این دو کشور به ایران جلوگیری کند و هم منافع ملی - سیاسی خود را در منطقه بحران حفظ و گسترش دهد. لذا همه بازیگران اصلی منطقه تلاش نموده تا نظم جدید را براساس منافع ملی خود تقویت و تثبیت نمایند. همان‌طور که پیدا است در این مقاله بیشتر به بحرانهای خاورمیانه اشاره شده است و برتری مقاله فوق بر این اثر بیشتر تأثیرات نفوذ منطقه‌ای اسرائیل بر محیط پیرامونی ایران است. و به

<p>صورت تخصصی به این موضوع اشاره شده است.</p>		
<p>جمهوری اسلامی در پی حفظ آرمان‌های انقلاب اسلامی و افزایش ر قدرت خود در تمامی ابعاد و گسترشی نفوذ ایدئولوژیک خود و همچنین حفظ بقاء (محور مقاومت - شرق و تشیع گرایی) و گسترش قدرت نرم خود با بالا بردن افزایش ضریب تأثیر گذاری خود در برهم زدن معادلات منطقه است. اما عربستان سعودی بعنوان نقطه مقابل این جریان در پی حفظ بقاء سیاسی قدرت سنی - وهابیت و (محور غربی - عربی) و همچنین گسترش آموزه‌های وهابیت و افزایش قدرت نسبی خود در مقابله با حوزه نفوذ ایران است. لذا واکاوی معادلات منطقه تحت نفوذ و آینده آن، با استفاده از رویکردهای دو گانه‌ای که دو قدرت منطقه‌ای (ایران، عربستان) اتخاذ نموده‌اند (یافته‌ها) را شکل می‌دهند. مقاله حاضر بیشتر تطبیقی و در مورد دو قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه یعنی ایران و عربستان می‌باشد، و برتری مقاله فوق با این اثر پژوهش</p>	<p>استراتژی دو قدرت بزرگ منطقه‌ای (جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی) در حوزه سیاست گذاری خارجی و تروریسم در منطقه تحت نفوذ خود (۱۴۰۰)</p>	<p>محسن جمشیدی، میر ابراهیم صدیق، محمود بسطامی</p>

<p>در ارتباط با محیط امنیتی ایران و بحرانهای پیش رویان می‌باشد.</p>		
<p>با توجه به اهمیت اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر مهم بین المللی، از این رو تأثیر لابی اسرائیل بر رفتار سیاست خارجی اتحادیه اروپا در روابطش با ایران به ویژه در برنامه هسته‌ای آن می‌تواند حائز اهمیت باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اسرائیل با استفاده از ابزار استراتژیک تبلیغات منفی علیه ایران در قالب ایران هراسی و برجسته نشان دادن برنامه هسته‌ای ایران به عنوان تهدیدی مخرب در منطقه و سطح بین الملل توانسته با نفوذ در پارلمان اروپا گروه‌ها و نهادهای لابی در اتحادیه اروپا تشکیل و مقاصد سیاسی و استراتژیکی خود را عملی سازد. در این مقاله هر چند در مورد تأثیرات لابی اسرائیل با اتحادیه اروپا در مورد برنامه‌های هسته‌ای ایران و جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای ایران بحث شده است. اما بطور کامل تمامی جنبه‌های مورد بحث نگارندگان را پوشش نداده و با موضوع این بحث متفاوت است و</p>	<p>تأثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا با تأکید بر برنامه هسته‌ای ایران (۱۴۰۰)</p>	<p>زهرا الوندی، مهدی زاکریان امیری، سید عبدالعلی قوام، حمید احمدی</p>

<p>دلیل برتری مقاله فوق بر این اثر نیز همین است.</p>		
<p>مجموعه امنیتی خاورمیانه یک مجموعه امنیتی خاص و پیچیده است و در دل آن ائتلاف‌هایی وجود دارند که به دلایل مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی و ایدئولوژیک دچار اختلاف هستند. یافته‌های پژوهشی حاکی از شناسایی سه ائتلاف عمده در مجموعه امنیتی خاورمیانه شامل: ۱- ائتلاف محور مقاومت. ۲- ائتلاف بلوک سنی. ۳- ائتلاف دفاکتو عبری — عربی است. نهایتاً در خصوص محور مقاومت باید گفت که این ائتلاف به دلیل تأثیرگذاری مثبت در هر یک از تحولات اخیر خاورمیانه منافع مدنظر خود را تأمین نموده و در آرایش سیاسی — امنیتی مجموعه تأثیر شگرفی نهاده است. در این مقاله بیشتر به ائتلافها و مناسبات در منطقه خاورمیانه اشاره شده و با موضوعات مورد بحث نگارندگان تشابهاتی دارد، اما در کل موضوع مورد بحث با این مقاله از جنبه‌هایی متفاوت خواهد بود که در ادامه بحث به واکاوی آنها</p>	<p>بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلافها و تهدیدها با تاکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات ان مجموعه (۱۴۰۰)</p>	<p>محمد عسکری کرمانی، حسین معین ابادی بیگدلی</p>

<p>پرداخته‌ایم و دلیل برتری مقاله فوق نیز همین موارد است.</p>		
<p>در این مقاله با تکیه بر «آینده پژوهی» و روش سناریو نگاری، تلاش شده محتمل‌ترین سناریو برای طرح معامله قرن بررسی شود. معامله قرن پتانسیلی برای محوریت مذاکرات صلح ندارد اما باید توجه داشت که مهمترین هدف طرح، مشروعیت دادن به وضعیت موجود در سرزمینهای اشغالی است. با این حال، شدت گرفتن اقدامات نامشروع اسرائیل برای ضمیمه سازی سرزمینی، شهرک سازیها، افزایش رایزنی با کشورهای عربی محافظه کار با هدف فشار فزاینده بر فلسطینی ها و حاکمیت زدایی از حکومت خودگردان، محتمل‌ترین سناریو این طرح است. این مقاله به طرح اسرائیل بزرگ و تحلیل و واکاوی آن پرداخته، در صورتی که موضوع مورد بحث نگارندگان متفاوت از موضوع این مقاله می‌باشد. هر چند موضوعات مورد بحث در هر دو مقاله تشابهاتی با هم دارند، اما مقاله فوق به صورت</p>	<p>آینده پژوهی معامله قرن، دو دولت با یک حاکمیت و مشروعیت بخشی به طرح اسرائیل بزرگ (۱۴۰۰)</p>	<p>محسن بیات، ابراهیم طاهری</p>

تخصصی تأثیر نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بر محیط پیرامونی ایران را تحلیل و واکاوی نموده است.	
----------------------------------------------------------------------------------------------	--

۲ - چهارچوب نظری (موازنه تهدید استفان ولت)^۱: برای تبیین راهبرد امنیتی

کشورها در قالب اتحادها، نظریه موازنه قوا که یکی از اصول مهم نظریه ساختارگرایی کنت والت و همچنین نئورئالیسم به شمار می‌رود، اغلب توسط پژوهشگران روابط بین الملل به عنوان ابزار تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته اصل موازنه قوا از طرف نظریه پردازان روابط بین الملل با انتقادهایی همراه بوده است. به عنوان مثال **استفان والت** به عنوان نظریه پرداز رئالیسم تدافعی با ارائه نظریه موازنه تهدید سعی در اصلاح و افزایش کارایی نظریه موازنه قدرت دارد. استفان والت یکی از شناخته شده ترین اندیشمندان وابسته به رئالیسم تدافعی است که برای بازگشایی گزاره‌های اصلی و محوری نظریه موازنه قوا بسیار کوشیده است. محقق نشدن فرضیه قوا علیه هژمون بالقوه امریکا پس از جنگ سرد استفان والت را در جابجایی نقطه تمرکز واقعگرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید سوق داد، تا اینگونه بتواند گره کور واقعگرایی را بگشاید. والت با نقد اصل موازنه قوا و با طرح نظریه موازنه تهدید بیان کرد آنچه باعث حرکت کشورها به سمت توازن می‌شود، میزان تهدیدی است که ادراک می‌کنند (Yan, 2019: 73).

در واقع این مسئله، سبب پرسش نخستین والت می‌شود که چه موقع دولتها اتحادها را شکل می‌دهند؟ و چه عنصری انتخاب اتحاد شان را تعیین می‌کند؟ آیا دولتها تمایل دارند علیه قدرتهای قوی یا تهدیدکننده با متحدشدن علیه آنها موازنه برقرار کنند؛ یا احتمالاً با متحدشدن با قدرتمندترین یا تهدیدکننده‌ترین دولتها راهبرد دنباله روی را انتخاب کنند. نکته مهم تبیین این مسئله است که طبق نظر والت، کشورها به دنبال ایجاد ائتلاف و اتحاد علیه هر کشوری نیستند؛ بلکه کشوری که قدرت آن باعث به خطر افتادن امنیت دیگر کشورها شود، سبب می‌شود که دیگران نیز برای رویارویی با این تهدید به سوی ایجاد ائتلاف سوق پیدا کنند. والت بر این عقیده است که دولتها با تهدیداتی مواجه هستند که تعادل ایجاد می‌کند و همه قدرتهای خارجی را تهدید می‌کند و آنچه به ضرورت تعادل می‌انجامد، وجود نیت خصمانه و به عبارتی تلاش برای

^۱Estephan Vallt.

جایگزینی قدرت برتر است. «قدرت بخش مهمی از معادله است، اما تنها عنصری نیست که آن را شکل می‌دهد، زیرا این معادله شامل قدرت و نیت صاحبان قدرت می‌شود. به طور کلی می‌توان اصول و مفاهیم اصلی نظریه موازنه تهدید از نظر والت را اینگونه دسته بندی کرد:

- دولت‌ها در برابر طرفهایی متحد می‌شوند که منشأ بیشترین تهدید به شمار می‌روند.

- تهدید صرفاً به میزان قدرت دولتها بستگی ندارد؛ بلکه ادراکی است که دولتها در روابط خود از تهدید دارند. به نظر والت زمانی که تهدیدی احساس شد کشورها یا می‌گویند در برابر آن توازن ایجاد کنند؛ یا اینکه به کشور تهدیدکننده بپیوندند.

— هر اندازه تهدید خارجی جدی‌تر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود. این بدان معناست که به طور کلی شکل‌گیری سطوح اتحاد با میزان ایجاد خطر تهدید مشترک رابطه مستقیم دارد.

— به نظر والت، تهدید از «قدرت کلی»، «مجاورت جغرافیایی»، «قدرت تهاجمی» و نیت تجاوزکارانه» تشکیل می‌شود. قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیشتری دارد، نسبت به کشوری که منابع کمتری دارد، می‌تواند تهدید جدی‌تری را موجب شود. مجاورت جغرافیایی از این رو اهمیت دارد که کشورهای نزدیک اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت تهاجمی، توانایی یک دولت برای تهدید حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. سرانجام، کشورهایی که تجاوزپیشینه تصور شوند، احتمال بیشتری دارد موجب ایجاد توازن شوند. نیت تجاوزکارانه یک کشور خاص تمایل به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد (علیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۱).

۳ - شکل‌گیری موجودیت اسرائیل در منطقه خاورمیانه: در چهاردهم می

سال ۱۹۴۸ همزمان با پایان قیمومت بریتانیا بر فلسطین، دولت اسرائیل با صدور اعلامیه استقلال، اعلام موجودیت کرد. پس از اعلام استقلال، مناقشه بین اعراب و اسرائیل رو به فزونی گذاشت و چندین جنگ بین آنها رخ داد که در همه آن جنگها پیروزی با اسرائیل بود. اما تنش سیاسی، منازعات و کشمکش‌های نظامی و ملی گرایانه در رقابت بر سر جاه طلبی‌های ارضی که متعاقب فروپاشی امپراتوری عثمانی آغاز و طی قرن بیستم شدت یافت، رفته رفته با گذشت زمان و عمدتاً در اوایل قرن بیست و یکم کمرنگ‌تر شد و از مناقشه اعراب-اسرائیل در مقیاس وسیع منطقه‌ای به مناقشه اسرائیل-فلسطین در سطحی محدودتر بدل گردید. بعلاوه از سال ۱۹۷۰ تلاش‌های موازی برای ایجاد صلح در مناقشه اعراب/فلسطینی‌ها با اسرائیل صورت گرفت تا شرایطی ایجاد

شود که مورد توافق طرفین قرار گیرد (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۴۶). اسرائیل یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه، سرزمین کوچک و باریکی است که به دلیل ماهیت تصنعی آن و ظهور این کشور از طریق اشغال سرزمین فلسطین توسط یهودیان و همکاری قدرتهای بزرگ، تنها از لحاظ جغرافیایی در منطقه خاورمیانه قرار گرفته و از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از بدو تأسیس در انزوا و محاصره دولتهای عرب و مسلمان بوده است. بنابراین، انزوا، آسیب پذیری و خلأ مشروعیت بین المللی و منطقه‌ای، خطرات عمده‌ای بوده‌اند که همواره موجودیت اسرائیل را از ابتدای تأسیس آن تهدید نموده‌اند. بر این اساس، یکی از اولین و مهمترین اهداف اسرائیل در منطقه، تلاش برای خروج از انزوا و کسب متحدانی در خاورمیانه بوده است. در این زمینه، اسرائیل از یکسو از طریق سیاست تهاجمی و توسعه طلبانه در صدد مدیریت منازعات خود با اعراب برآمده و از سوی دیگر از طریق دکتترین اتحاد پیرامونی، به دنبال توسعه حضور و نفوذ خود در منطقه بوده است (موسوی زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۸: ۲۰۳). از سال ۱۹۹۶ که نتانیاهو به عنوان نخست وزیر اسرائیل آغاز به کار کرد، بستر سیاسی داخلی برای پیشبرد طرح اسرائیل بزرگتر فراهم شد. از همان سال تاکنون دولت وی با اقدامات گسترده توانسته است به روند گسترش شهرک‌های یهودنشین سرعت دهد و ضمیمه سازی سرزمینی در کرانه باختری به ویژه در بیت المقدس و بلندهای جولان را محقق کند. با روی کار آمدن دولت ترامپ به عنوان دولتی همفکر و متحد در آمریکا، نتانیاهو بستر سیاسی را برای مشروعیت دادن به اقدامات خود فراهم دید. اقدامات ترامپ در شناسایی حاکمیت اسرائیل بر بلندهای جولان و به رسمیت شناختن بین المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل، چشم انداز روشنی برای پیشبرد اهداف راستگرایان افراطی یهود به ویژه دولت نتانیاهو و احزاب طرفدارش ایجاد کرد. طرح صلح دولت ترامپ را باید در بستر منطقه، چارچوب کلی سیاست دولت وی در قبال منازعه فلسطینی- اسرائیلی و وضعیت کنونی اسرائیل و فلسطین مورد ارزیابی قرار داد. با توجه به این موارد و محتوای طرح صلح و پیامدهای احتمالی آن، می توان گفت که مطرح شدن این طرح گامی بلند در جهت تکوین و تثبیت طرح اسرائیل بزرگتر بود. اگر چه دو دولت بنیانگذار این طرح در اسرائیل و ایالات متحده جای خود را به دولت بنت و بایدن دادند اما نباید تصور کرد که طرح معامله قرن و اسرائیل بزرگتر کنار گذاشته شده‌اند (بیات و طاهری، ۱۴۰۰: ۱۴۸).

۴ - نفوذ خاورمیانه‌ای اسرائیل و عادی سازی روابط با کشورهای عرب

منطقه بر اساس نظریه موازنه تهدید والت: ارتباطات و تماس‌های دولت‌های عرب با

اسرائیل در عمل پیشینه طولانی دارد. در حقیقت، توافقات امضاء شده و دیدارهای رسمی اعراب-اسرائیل تقریباً به زمان تشکیل دولت اسرائیل، با قراردادهای متارکه جنگ ۱۹۴۹ باز می‌گردد. برای حدود دو دهه پس از آن، ملاقات‌های رسمی متناوب ولو معمولاً سطح پایین در باره رخدادهای امنیتی، آب، پناهجویان، و موضوعات دیگر همراه با بسیاری دیدارهای خصوصی سطح بالاتر وجود داشت. از سرگیری تماس‌ها پس از جنگ ۱۹۷۳ به پیمان صلح اسرائیل و مصر در سال ۱۹۷۹ منجر شد. در سپتامبر ۱۹۹۳ یکی از تاریخی‌ترین لحظات در گفتگوها با پیمان‌اسلو به وقوع پیوست، که طی آن دولت اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین، بطور متقابل یکدیگر را به رسمیت شناختند. پیمان صلح اسرائیل و اردن به منظور عادی سازی روابط و صلح بین دو کشور در سال ۱۹۹۴ به امضاء رسید. بعدها نیز با وجود برخی وقفه‌ها طی انتفاضه دوم یا سایر بحرانهای روی داده در منطقه، بسیاری از نشست‌های سران، ملاقات‌ها، توافقات، و ارتباطات دیگر سطح بالا میان اعراب/فلسطینی‌ها با اسرائیل رخ داده است (Maleki and Mohammadzadeh Ebrahimi, 2018: 19). به طور کلی می‌توان سه نوع مصالحه در این رابطه را ذکر نمود: نخست پیمان کمپ دیوید که براساس آن مصر حاکمیت کامل خود بر بخشی از صحرای سینا را از دست داد و متحمل زیانهای عمده‌ای شد. دوم صلح اردن با رژیم صهیونیستی که مشهور به توافقنامه **وادی عرب** است. که بر اساس این قرارداد رژیم صهیونیستی دو منطقه «الباقوره» و «الغمر» را به مدت ۲۵ سال از اردن اجاره کرد. این قرارداد ضررهای اقتصادی و کشاورزی و آبرسانی فراوانی را به اردنی‌ها وارد آورده است به گونه‌ای که در حوزه آبرسانی صهیونیست‌ها متعهد شده بودند سالیانه ۵۵ میلیون متر مکعب آب را به اردن انتقال دهند؛ ولی در عمل تنها ۳۵ میلیون متر مکعب آب به اردن انتقال یافته است. در نهایت بخش سوم مذاکرات اعراب و صهیونیست‌ها به مسئله فلسطین مربوط است که همواره با نزاع و جنگ همراه بوده و در عمل بدون هیچ دستاوردی برای فلسطین، کماکان ادامه دارد. نکته مهم در این میان تبیین این مسئله است که صهیونیست‌ها در عمل نشان دادند که به هیچ‌گونه قراردادی متعهد نیستند و این مسئله را از کمپ دیوید گرفته تا قراردادهای صلحی که با فلسطینیان منعقد کرده‌اند، به خوبی نشان داده‌اند (thrall, 2017: 67).

با توجه به نظر استفان والت، تهدید از «قدرت کلی»، «مجاورت جغرافیایی»، «قدرت تهاجمی» و نیت تجاوزکارانه تشکیل می‌شود. قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیشتری دارد، نسبت به کشوری که منابع کمتری دارد، می‌تواند تهدید جدی‌تری

را موجب شود. مجاورت جغرافیایی از این رو اهمیت دارد که کشورهای نزدیک اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت تهاجمی، توانایی یک دولت برای تهدید حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. شیفت پارادایمی در روابط اعراب و اسرائیل که از تنش و تهدید و اعراب به سمت و سوی صلح و نهایتاً برقراری روابط سیاسی سوق پیدا کرده، مرهون سه عامل مهم است: نخست: ائتلاف در برابر شیعیان منطقه، دوم: کاهش فزاینده تمایلات امریکا برای حضور مستقیم در منطقه و تلاش برای ایجاد ائتلاف قدرتمند و متحد غرب در غرب آسیا و سوم، شکنندگی ژئوپولیتیک اعراب و رژیم صهیونیستی در منطقه. واقعیت این است که ماهیت قدرت و ساختار در اسرائیل وجه تثبیت شده‌ای ندارد و همین شکنندگی بستر ساز نگرانی‌های فزاینده رژیم صهیونیستی در برابر دشمنان و رقیبان منطقه‌ای خود شده است. به همین دلیل، رژیم صهیونیستی در برابر بخش‌های مهمی از ژئوپولیتیک غرب آسیا ادعای ارضی دارد و تمام کشورها را به مثابه نوعی تهدید بالقوه برای خود می‌انگارد (علیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۹). چندی پیش وزیر جنگ وقت اسرائیل در مصاحبه با رسانه‌های عربی متذکر شد که اسرائیل تمایل دارد تا اطلاعات خود را در زمینه‌های مختلف از جمله تبادل اطلاعات امنیتی برای مواجهه با رقیبان با کشورهای میانه رو عرب در میان بگذارد (Yalan and Fridman, 2018: 2) اما را باید نخستین شالوده شکن از کشورهای خلیج فارس در برقراری روابط با رژیم صهیونیستی قلمداد کرد. مسئله‌ای که نیاز به شهادت زیادی از سوی شیخ نشینان امارات داشته است. در این میان حتی عربستان به عنوان زمامدار جهان اهل سنت نیز که در اتحادی راهبردی با امریکا به سر می‌برد، تا حد بسیار زیادی جرأت آشکار کردن روابط با رژیم صهیونیستی را نداشته است و بن سلمان همواره با هماهنگی کامل با سران امریکا و از روش‌های گوناگون و پنهانی با سران اسرائیل گفتگو کرده است (علیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۶۳).

۱ - ۴ - معامله قرن ترامپ: هنگامی که او با ما در آمریکا به قدرت رسید، گروه ویژه‌ای را مسئول بررسی این مسئله کرد که آیا راهبرد کلان واشنگتن برای حضور در جهان با منابع محدود مالی و تهدیدهای متغیر و نو ظهوری که امریکا با آنها رو به رو است، سازگاری دارد یا خیر. نتیجه بررسی که بخش اصلی آن توسط وزارت دفاع امریکا انجام شد، در قالب سند راهنمای استراتژیک دفاعی در ۵ ژانویه ۲۰۱۲ منتشر شد. نتیجه این بود که آسیا با محوریت دریای جنوبی چین و سپس خاورمیانه با محوریت خلیج فارس، باید اولویتهای راهبردی امریکا در عصر جدید باشند. امریکا به این باور رسید که اروپا با تهدید امنیتی جدیدی روبه رو نیست

و حتی اگر با چنین تهدیدی مواجه شود، خود اروپا از توانایی لازم برای رویارویی با آن برخوردار است و نیاز چندانی به امریکا ندارد (صالحی و زارع، ۱۳۹۶: ۹۹). با روی کار آمدن دونالد ترامپ سیاست‌های پراگماتیستی امریکا در حمایت همه جانبه از رژیم صهیونیستی با شدت بیشتری ادامه یافت. به همین سبب، ترامپ حتی پیش از ورود به کاخ سفید و در کارزار انتخاباتی بارها وعده دست یابی رژیم صهیونیستی به صلح دائمی را داده بود. پس از موفقیت در انتخابات ریاست جمهوری، ترامپ برای دستیابی به این وعده در گام نخست با سفر به مناطق اشغالی و دیدار با سران رژیم صهیونیستی شرایط لازم را برای ایجاد روابط مستحکم میان اعراب خلیج فارس و رژیم صهیونیستی آماده کرد (Reinstein, 2020: 90). دولت ترامپ با انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس در مه ۲۰۱۸ و قطع صدها میلیون دلار کمک سالانه به فلسطینی‌ها با استناد به امتناع تشکیلات خودگردان از مشارکت در ابتکار صلح ترامپ، بیش از پیش خشم فلسطینی‌ها را برانگیخت. محمود عباس، ایالات متحده را به دلیل «حمایت از تخاصم اسرائیل علیه آنها» شدیداً مورد انتقاد قرار داد. او گفت: «علیرغم هر توطئه یا اقدامی، بیت المقدس پایتخت همیشگی فلسطین باقی خواهد ماند. طرح صلح ترامپ یا آنچه در خبرگزاری‌های مختلف به عنوان «معامله قرن» یاد می‌شود، توسط تیمی به سرپرستی جرد کوشنر تدوین گردیده است. این طرح شامل دو بخش اقتصادی و سیاسی است. کاخ سفید در ۲۲ ژوئن، ۲۰۱۹ بخش اقتصادی معامله قرن موسوم به «صلح برای شکوفایی» را منتشر ساخت. بر این اساس قرار است یک صندوق سرمایه گذاری ۵۰ میلیارد دلاری برای ۱۷۹ پروژه زیربنایی و تجاری ایجاد گردد که واشنگتن امیدوار است بخش اعظم مخارج آن را دولتهای ثروتمند حاشیه خلیج فارس و کشورهای اروپایی و آسیایی، همراه با سرمایه گذاران بخش خصوصی، تأمین نمایند (The Times of Israel, 2019: 2).

۲- ۴- پیمان صلح ابراهیم: از نظر والت هر اندازه تهدید خارجی جدی تر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود. این بدان معناست که به طور کلی شکل گیری سطوح اتحاد با میزان ایجاد خطر تهدید مشترک رابطه مستقیم دارد. عادی سازی روابط کشورهایمانند امارات، بحرین، عربستان و عمان با رژیم صهیونیستی از سالها و دهه‌های قبل در قالب دیپلماسی پنهان آغاز شده بود. اما این روند طی سالهای اخیر از حالت مخفیانه و محرمانه خارج شده و جنبه آشکار به خود گرفته است. دیدار نتانیاهو از عمان و ملک قابوس در اکتبر ۲۰۱۸ و امضای قرارداد صلح رژیم صهیونیستی با امارات عربی و بحرین در واشنگتن تحت عنوان «صلح ابراهیم» در ۱۳ آگوست ۲۰۲۰ گواهی بر این ادعا می‌باشد. در همین رابطه امارات سومین کشور عربی پس از

مصر و اردن است که اقدام به عادی سازی روابط دیپلماتیک با تلاؤیو کرده است. هر چند این کشور پیش تر در قالب اقداماتی نظیر پایان دادن به اجرای تحریم های ثانویه اتحادیه عرب در سال، ۱۹۹۴ اجازه تأسیس دفتر دیپلماتیک به رژیم صهیونیستی در ابوظبی در سال ۲۰۱۵ برای تسهیل در مشارکت این رژیم در آژانس بین المللی انرژی تجدید پذیر، اجازه حضور کاتر، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی، برای شرکت در نشست سازمان ملل در مورد تغییر آب و هوا در ابوظبی در ژوئن ۲۰۱۹ گام های پنهانی اولیه را برداشته بود (قادری حاجت و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۳).

به رسمیت شناخته شدن مشروعیت اسرائیل از سوی اعراب را اولین بار مصر در سال ۱۹۷۹ انجام داد. دولت وقت مصر آرمان فلسطین را رها کرد و خود با اسرائیل وارد توافق شد. اردن هم در سال ۱۹۹۴ از این کار تبعیت کرد. درصد بالای اردنی های فلسطینی تباری که والدینشان در زمان تشکیل و گسترش اسرائیل از سرزمینهای فلسطینی گریخته بودند، موجب شده اردن در موقعیت منحصربه فردی قرار گیرد (الوندی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۸). اکنون نیز پیمان صلح ابراهیم چارچوبی را برای تداوم فرآیند پذیرش هر چه بیشتر اسرائیل از سوی اعراب تعیین کرده است. طولی نکشید که پیمان صلح ابراهیم بحرین را نیز شامل شد. بحرین، به مانند امارات، در کرانه جنوبی خلیج فارس قرار دارد. بحرین، که تا سال ۱۹۶۸ میزبان یکی از پایگاه های نیروی دریایی بریتانیا بود، سالهاست محل استقرار یکی از پایگاه های نیروی دریایی ایالات متحده شده است. حاکمیت اقلیتی اهل سنت بر اکثریتی شیعه موجب پیچیده شدن ساختار حکومتی دولت بحرین شده که عموماً بی ثبات است. داماد ترامپ، جارد کو شتر که خود یهودی است، نقش مهمی در مذاکرات ایفا کرد. وی مدعی شد که حکومت های عربی دیگر نیز در آینده به پیمان ابراهیم خواهند پیوست. دولت سودان هم در ماه اکتبر، با وعده حذف شدن نامش از لیست کشورهای حامی تروریست، به این جامعه تحت تسلط آمریکا پیوست. بیانیه پیمان صلح ابراهیم آشکارا با ادبیات متخصصان روابط عمومی نوشته شده است؛ متخصصانی که در مدارس تکنیک های تبلیغاتی آموزش دیده و به خوبی رشد یافته اند. این پیمان نوعی سند روابط عمومی گلفام است تا جذب نیرو و مسلح سازی جوامع عربی برای یورش نظامی به ایران را به دروغ چیزی دیگر جلوه دهد. بیانیه پیمان ابراهیم با ادعای «تحقق چشم انداز صلح، امنیت و آبادانی برای خاورمیانه و کل دنیا» در پی پنهان کردن برنامه ای آشکار برای جنگ مضاعف در غرب آسیا و اورا سیا ست. این طرح جنگی هیچ ربطی ندارد به «ما در پی رواداری و احترام به تک تک انسانها هستیم تا بتوان این دنیا را به گونه ای ساخت که همگان از یک زندگی کریمانه و پرامید بهره مند شوند، فارغ از اینکه

به چه نژاد، قوم و دینی تعلق دارند». اتفاقاً این پیمان در پی تشدید تمایزات قومی با هدف اختلاف افکنی میان عربها و ایرانی هاست. مقدمه^۱ اولین مرحله^۲ صلح ابراهیم در واقع چیزی نبود جز فروش تسلیحات آمریکایی به امارات متحده عربی. آمریکا متعهد شده است ۵۰ جت اف ۳۵ به دولت امارات، به رهبری شاهزاده زاید بن نهیان، بفروشد. همچنین قرار است امارات صاحب تعدادی پهپاد ساخت ژنرال اتمیکس شود. دولت بحرین نیز از این الگو تبعیت کرده و جداگانه اقدام به عقد قرارداد تسلیحاتی با آمریکا نمود. کاملاً محتمل است که هدف بحرین از این کار فراهم آوردن «امنیت» علیه قیامهای مردمی باشد. البته این معاملات موجب ناخشنودی نتانیاهو شد. وی در عوض از آمریکا خواهان پیشرفته‌ترین تسلیحات ممکن شد تا اسرائیل همواره در منطقه «برتری» از نظر فناوری تسلیحاتی را حفظ کند. در نتیجه آمریکا اقدام به فروش اف ۲۲ بمب‌های زاغه کوب و هواپیماهای اسپری وی ۲۲ به اسرائیل نمود (الوندی و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۷). بر اساس پیمان ابراهیم، وضعیت فعلی کرانه باختری که به صورت غیرقانونی به تصرف اسرائیل درآمد به همان شکل باقی می‌ماند که این اقدام آشکارا نقض منشور سازمان ملل است. وضعیت فعلی یعنی تداوم گسترش شهرک سازی های اسرائیل در سرزمینهای اشغالی که مجمع عمومی سازمان ملل در محکومیت آنان صدها قطعنامه صادر کرده است. وضعیت فعلی مترادف است با هجمه به زندگی، محل زیست و سکونت، منابع آب، باغ‌های زیتون و بسیاری از دیگر عرصه‌های حقوق انسانی فلسطینی‌ها (قادری حاجت و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۷).

۵- پیامدهای نفوذ منطقه‌ای رژیم صهیونیستی بر محور نفوذ و محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران بر اساس موازنه تهدید والت: تحولات بعد از یازده سپتامبر و به خصوص حمله آمریکا به دو کشور همسایه افغانستان و عراق به شکل گیری مؤلفه‌های نوینی در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران انجامید که به صورت همزمان فرصت‌ها و چالشهایی را برای امنیت ملی کشور به همراه داشت (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۱۲). جمهوری اسلامی ایران در پی آرمان‌های انقلاب اسلامی و افزایش قدرت خود در تمامی ابعاد و گسترش حوزه نفوذ ایدئولوژیک خود در قالب (محور مقاومت و تشیع گرایی) در منطقه خاورمیانه است (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۹). ایران به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب عالم از دیرباز مورد توجه کشورها و تمدن‌های دنیا بوده است. این نقش ارتباطی میان قاره‌ای و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی است، بر اهمیت و نقش مؤثر ایران در نظر ناظران خارجی افزوده، به طوری که هرگونه تحول سیاسی در آن موجب

برانگیخته شدن حساسیت‌های جهانی می‌گردد. کشور ایران (که امروزه شاهد هستیم) تنها بخش کوچکی از سرزمین تاریخی ایران را تشکیل می‌دهد. سرزمین ایران در گذشته شامل پهنه وسیعی از طول و عرض جغرافیایی بوده که طی قرن‌ها به عنوان قلمرو فرهنگ و تمدن کهن ایرانی-اسلامی شناخته شده است. وسعت این سرزمین بسیار پهناورتر از سرزمین کنونی ایران و شامل سرزمین‌های داخل فلات وسیع ایران و یا سرزمین‌های حاشیه فلات بوده است. از مهم‌ترین ویژگی این سرزمین استقرار آن در منطقه‌ای حائل است که بدان نقش برجسته گذرگاهی بخشیده است. گذرگاهی میان قاره‌های بزرگ جهان، میان چند قلمرو بزرگ جغرافیایی و میان چند حوزه دیرینه فرهنگی (ضرغامی و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۶). رفتار سیاست‌خاورمیانه‌ای ایران عدم انطباق با ساختارهایی می‌باشد که توسط قدرت بزرگ خارجی تعریف شده است. با افول نقش این قدرتها پس از جنگ سرد بازیگران منطقه‌ای قدرت قابل ملاحظه‌ای یافتند که عدم انطباق ناشی از رفتار آنها شکل خاصی به سیستم امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه داده است (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۱۳). عامل مهمی که بر واگرایی در خاورمیانه تأثیر گذار است، ارزیابی عقلانی رفتار رقیب و بررسی میزان قدرت هر کدام از کشورهای خاورمیانه در مورد وزن و مقدار تأثیرگذاری نسبت به هم‌تایان خود در منطقه است. رقابت کشورهای منطقه با یکدیگر لزوماً به موارد ایدئولوژیک و ارزشی محدود نمی‌شود بلکه در کنار آن، منافع ملی و امنیت ملی که هر کدام از قدرتهای تأثیر گذار در منطقه به خصوص قدرتهای منطقه برای خود تعریف کرده‌اند باعث گسترش رقابت میان آنها شده است (صالحی و زارع، ۱۳۹۶: ۱۰۹). با توجه به ویژگیهای سیاسی، امنیتی و فرهنگی در بعد منافع ملی، منابع قدرت جمهوری اسلامی در حوزه سیاستگذاری خارجی و سیاستهای منطقه‌ای این کشور همواره از دو عامل مهم تأثیر پذیرفته‌اند: نخست واقعیت ژئوپلتیک و دوم جهت‌گیری ایدئولوژیک (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۹).

با توجه به نقش مهم اقتصاد در روابط کشورها معیار صادرات و واردات می‌تواند نشان‌دهنده خوبی جهت بررسی رابطه ایران با کشورهای همسایه خود باشد. صادرات ایران به کشورهای حوزه خلیج فارس و خاورمیانه براساس اعلام سازمان توسعه تجارت صادرات ایران به کشورهای این منطقه در پنج ماه نخست سال ۲۰۱۸ رقمی معادل ۵/۲ میلیارد دلار را ثبت کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این عدد نسبت به سال گذشته ۵/۳ میلیارد دلار کاهش داشته است. متولیان تجاری اظهار امیدواری کرده‌اند که با بازگشایی مجدد مرزها و شروع دوباره مبادلات تجاری در سطح بین‌المللی این میزان کاهش صادرات تا حدودی جبران شود و به شرایط

قبل از کرونا بازگردد. با اعلام فرزاد پیلتن، مدیر کل دفتر عربی و آفریقایی سازمان توسعه تجارت ایران کشورهای عربی مقصد صادرات ایران به ترتیب عراق، امارات، عمان، کویت، سوریه، قطر، اردن، لبنان و بحرین بوده‌اند و طی مدت مذکور، صادراتی از ایران به کشورهای عربستان و یمن صورت نگرفته است. همچنین از میان ۲۰ کشور اول هدف صادراتی ایران در سالهای ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، عراق با ۱۸۳۴ میلیون دلار واردات از ایران در رتبه دوم، امارات با ۳۱۰ میلیون دلار واردات از ایران در رتبه پنجم، عمان با ۱۱۰ میلیون دلار واردات از کشورمان در رتبه یازدهم و کشورهای کویت، سوریه و قطر به ترتیب با ۵۶،۵۸ و ۴۵ میلیون دلار واردات از ایران، در رتبه‌های چهاردهم و شانزدهم و نوزدهم مقاصد صادراتی ایران طی مدت مذکور قرار داشته‌اند (قادری حاجت و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۴). با توجه به چنین وضعیتی برای ایران و شرایط موجود منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، عرصه‌های بازیگری معطوف به منافع و امنیت ملی کشورها، به صحنه بازیگری خردمندانه (مبتنی بر هزینه-فایده) و بازیهای مختلف، برد-برد، باخت-باخت و برد-باخت تبدیل می‌شود. بنابراین با توجه به روابط خاص جمهوری اسلامی ایران با برخی از بازیگران فرامنطقه‌ای نظیر اسرائیل که در حال افزایش نفوذ و قدرت خود در میان کشورهای منطقه می‌باشد (کامران دستجری و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۱). نفوذ ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران یک واقعیت انکارناپذیر محسوب می‌شود که جبهه مقابل فقط توانایی مادی را مد نظر قرار داده که این نکته نیز یکی از اشکالات وارده بر تعریف سیاست‌های ایران در قالب نواقح گرای نیز می‌باشد (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۳). در بحث نفوذ منطقه‌ای و محور نفوذ جمهوری اسلامی نیز بایستس خاطر نشان کرد در حوادث منتهی به بیداری اسلامی و ظهور تکفیری‌های داعش و النصره در عراق و سوریه و حتی افغانستان و ایفای نقش سازنده جمهوری اسلامی ایران در نابودی نسبی این جریانات تروریستی - تکفیری، تشکیل ائتلاف میان شیعیان منطقه توسعه روزافزونی یافت. واقعیت این است که ظهور داعش به مثابه جریان بنیادگرای رادیکال و ایدئولوژیک که با هدف ساقط کردن دولتهای سوریه و عراق تأسیس شد، بیش از آنکه بتواند به اهداف خود دست پیدا کند، بسترساز تشکیل شبه نظامیان ساختارمندی همچون حشدالعشبی در عراق و حزب الله در سوریه شد. بسیاری از مستشاران نظامی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای عراق، سوریه، لبنان و یمن در حال تجهیز نظامی متحدین شیعه خود است، تا جایی که دانش موشکی حزب الله لبنان به یکی از مجهزترین انواع خود در غرب آسیا تبدیل شده است. لذا پس از افول داعش، وحدت راهبردی میان شیعیان به بیشترین میزان خود رسیده و عامل اصلی گسترش مرجعیت گفتمان شیعی و مقاومتی جمهوری

اسلامی ایران در منطقه شده است (علیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۶). جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت ژئوپلتیک و ژئواکونومیک به شدت متأثر از شرایط امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای است، هم بر آن تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. سیاست خارجی ایران محصول کنش متقابل کارگزار ایران و ساختار جامعه بین‌الملل است (جمشیدی و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۸).

نتیجه‌گیری: تلاش رژیم صهیونیستی برای عادی‌سازی روابط با اعراب و گسترش نفوذ خود در منطقه. خاورمیانه بر اساس موازنه تهدید، جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای و تقابل و کاهش توان و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در محیط ملی - منطقه‌ای می‌باشد. رژیم صهیونیستی در قالب پیمان صلح ابراهیم و دیگر پیمانها با توجه به همسویی اهداف و همگرایی راهبردی - امنیتی خود در منطقه خاورمیانه با دیگر متحدانش، در صدد بر آمده است که محیط پیرامونی و ملی - منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را به عنوان دشمن و رقیب استراتژیک خود به چالش بکشد. بر همین اساس با تنگ کردن محیط و فضا برای ایران و فشار بر مرزهای ملی و منطقه‌ای ایران می‌خواهد که دست ایران را در محور نفوذ و منطقه کوتاه کرده و با تهدید مرزهای ملی و محیط داخلی در اهداف منطقه‌ای ایران خلل وارد نماید. در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به هنجارهای حاکم بر نظام بین‌المللی و تعارضات هویتی - ایدئولوژیکی جمهوری اسلامی ایران با موجودیت رژیم اسرائیل، هر گونه افزایش حضور اسرائیل در محیط امنیتی - پیرامونی ایران به انحاء مختلف سیاسی، نظامی، امنیتی اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و فنی و تکنولوژیکی به معنای کاهش میزانی از نفوذ و قدرت تأثیر گذاری ایران تلقی شده و طبیعتاً تهدیدی برای امنیت ملی - منطقه‌ای آن به حساب می‌آید. در زمینه برنامه‌ها هسته‌ای ایران از دید اسرائیل به اصطلاح پنهان کاری‌های ایران در زمینه هسته‌ای، با نگرانی‌هایی همراه بوده است. اسرائیل با توجه به مشخص شدن مشی جمهوری اسلامی ایران در مقابل آن و تعریف اسرائیل به عنوان یکی از دشمنانی که باید از صفحه روزگار محو شود، از دستیابی ایران به فناوری‌های هسته‌ای بیم داشته و دارد. نکته قابل توجه این است که اسرائیل برای جلوگیری و کنترل از محور نفوذ منطقه‌ای ایران و بار دیگر ایران را به عنوان تهدیدی وجودی برای اسرائیل بازنمایی کند با توجه به شعارها و مشی این کشور در مقابل اسرائیل، دست به نابودی آن خواهد زد. لذا رژیم صهیونیستی با امنیتی کردن فضا برای کشورهای منطقه آنها را به سمت اهداف بلند مدت خود سوق داده تعریف غیر واقع از چهره ایران هسته‌ای در آینده‌ای نزدیک می‌خواهد که هم بر ایران

فشار بیشتری از طرف همسایگانش وارد شود و هم با عادی سازی روابط دست خود در منطقه بیش از پیش باز باشد.

پیشنهادات و راهکارها: اگرچه توافقات صلح ابراهیم و گسترش دامنه آن به دیگر

کشورهای عربی می‌تواند موجب کاهش تنش‌های منطقه‌ای و ارتقاء ضریب امنیتی برای اسرائیل شود اما تاریخ نشان داده که اینگونه توافقات نمی‌تواند به حل نهایی قضیه فلسطین کمک کند. مادام که طرفین اصلی مناقشه، اسرائیل و فلسطین، بر موضع همیشگی خود همه یا هیچ تأکید ورزند. مورد تهدید محیط پیرامونی و عکس‌العمل جمهوری اسلامی بایستی یاد آور شد که مهمترین عاملی که ایران می‌تواند از آن به عنوان سلاح اصلی و برگ برنده خود در منطقه تکیه کند، ژئوپولیتیک شیعه و تأثیرگذاری عمیق بر شیعیان خاورمیانه است. به نظر برخی از تحلیل‌گران، با توجه به جمعیت شیعه که در منطقه از پاکستان گرفته تا لبنان سکونت دارند و تأثیرات ایران بر این گروه‌های جمعیتی که در برخی از کشورها نیز اکثریت را در اختیار دارند، شرایط منطقه امروزه برای دستیابی ایران به یک موقعیت برتر فراهم شده است. همچنین در مورد این عادی سازی روابط کشورهای عربی منطقه در قالب پیمانهای مختلف با رژیم صهیونیستی و با روی کار آمدن دولت سیزدهم در جمهوری اسلامی ایران، منطقه‌گرایی و شیفت شدن به این سمت‌مهمترین تصمیم برای حفظ منابع بین‌المللی در منطقه نفوذ گرفت. ایران با توجه به باز بودن پرونده بین‌المللی اش در بحث توافق سال ۲۰۱۵ سعی نمود که ارتباط تیره خود را با همسایگان منطقه‌ای خود بهبود بخشیده و با تأثیرگذاری بر منطقه نفوذ خود، نگذارد که اسرائیل در قالب این پیمانها بر منطقه نفوذ ایران تأثیر بسزایی بگذارد. در ادامه نیز بایستی همین سیاست یعنی توجه به منافع (ملی - منطقه‌ای - بین‌المللی) دنبال شده و برای فشار رقیب انتی‌تزم مناسب تجویز نمود.

فهرست منابع

۱. الوندی، زهرا و ذاکریان امیری، مهدی و قوام، سید عبدالعلی و احمدی، حمید (۱۴۰۰). تأثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا، با تأکید بر برنامه هسته‌ای ایران، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال هفدهم، شماره دوم، تابستان.
۲. بیات، محسن و طاهری، ابراهیم (۱۴۰۰). آینده پژوهی معامله قرن، دو دولت با یک حاکمیت و مشروعیت بخشی به طرح اسرائیل بزرگ، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره سوم، پاییز.

۳. جمشیدی، محسن و فلاحی، سارا و ایدی، محمد (۱۴۰۱). راهبرد کلان ایالات متحده امریکا (جو بایدن ۲۰۲۰ - ۲۰۲۴) و تأثیر آن بر مدیریت راهبردی (سیاسی - دفاعی) جمهوری اسلامی ایران در محور تحت نفوذ، فصلنامه سیاست پژوهی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۳ (۲۶)، پاییز.
۴. جمشیدی، محسن و فتاحی، شهرام و صدیق، میر ابراهیم (۱۴۰۱). استراتژی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای محور تحت نفوذ در جهان اسلام از منظر رئالیسم تدافعی (واکاوی بحران عراق و سوریه، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، سال یازدهم، شماره یکم (پیاپی ۲۳)، بهار.
۵. جمشیدی، محسن و صدیق، میر ابراهیم و بسطامی، محمود (۱۴۰۰). استراتژی دو قدرت بزرگ منطقه‌ای (جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی) در حوزه سیاست گذاری خارجی و تروریسم در منطقه تحت نفوذ خود، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۱۹)، بهار.
۶. عسکری کرمانی، محمد و معین ابادی بیگدلی، حسین (۱۴۰۰). بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلافها و تهدیدها با تاکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات آن مجموعه، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دهم، شماره دوم، پیاپی (۲۰)، تابستان.
۷. علیشاهی، عبدالرضا و فروزان، یونس و سلیمانی سوچلمانی، حمید (۱۳۹۹). تأثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس، نشریه علمی افاق امنیت، سال سیزدهم، شماره چهل و نهم، زمستان.
۸. ضرغامی خسروی، سمیرا و ذاکریان، مهدی و برزگر، کیهان و کاظمی وند، سید علی اصغر (۱۳۹۹). تأثیر پروژه ایران هراسی در راهبرد منطقه‌ای جدید اسرائیل، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال شانزدهم، شماره چهار (۶۴)، بهار.
۹. صالحی، مختار و زارع، رحمان (۱۳۹۶). خلاء قدرت و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دهم، شماره چهل، زمستان.
۱۰. ذوالفقاری، مهدی و امامی، اسماء (۱۴۰۱). سیاست خارجی عربستان در قبال ایران در دوره پسا برجام، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال چهارم، شماره دوازدهم، تابستان.

۱۱. کامران دستجردی، حسن و متقی، افشین و رشیدی، مصطفی (۱۳۹۰). حضور اسرائیل در قفقاز و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران - دوره جدید، سال نهم، شماره بیست و هشت، بهار.
۱۲. قادری حاجت، مصطفی و جودی، حسین و حیدریان، سجاد (۱۳۹۹). تبیین ژئوپلیتیکی بازساخت ریملند در چارچوب صلح ابراهیم، فصلنامه آمایش سیاسی فضا، دوره سوم، شماره یک، زمستان.
۱۳. مظاهری، محمد مهدی (۱۳۹۸). نقش و جایگاه ایران در سیستم امنیتی خلیج فارس، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره اول، بهار.
۱۴. ملکی، محمد رضا و محمدزاده ابراهیمی، فرزاد (۱۳۹۹). چشم انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی سازی روابط اسرائیل و جهان عرب، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال هفدهم، شماره ۳ (۶۷)، زمستان.
۱۵. موسوی زاده، علیرضا و جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۸۸). جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانش نامه حقوق و سیاست، شماره یازدهم، بهار و تابستان.
16. Reinstein, Josh. (2020). *Titus, Trump and the Triumph of Israel: The Power of Faith Based Diplomacy*, Jerusalem: Gefen Publishing House.
17. Thrall, Nathan. (2017). *The Only Language They Understand: Forcing Compromise in Israel and Palestine*, New York: Metropolitan Books.
18. The Times of Israel (2019). At UN, Abbas Threatens to Nix Agreements with Israel If West Bank land Annexed. September 26, at: <https://www.timesofisrael.com/at-un-abbasthreatens-to-nix-agreements-with-israel-if-west-bank-land-annexed/>.
19. Mohammadzadeh Ebrahimi, F., Maleki, M. R., Emamjomeh Zadeh, S. J. (2018). *Obama's Middle Eastern Strategy in Theory and Practice*, Tabriz: Author/SelfPublisher. (In Persian).
20. Navon, Emmanuel. (2020). *The Star and the Scepter: A Diplomatic History of Israel*, Philadelphia: The Jewish Publication Society.
21. Yan, (2019). *Leadership and the Rise of Great Powers*, New Jersey: Princeton University Press.

22. Yaalon, Moshe and Friedman, leeche (2018). "A Historic Oppourtunity for Normalize", Foreign=Affairs, 23 June, athttps://www.researchgate.net/publication/337812665_Israel_and_the_Arab_States_A_Historic_Oppourtunity_to_Normalize_Relations.

